**چكيده**

امروزه به ويژه با توجه به تحول هاي جهان اسلام،همگرایی جوامع مسلمان به مثابه ضرورتي تعيين كننده در عرصه بين المللي احساس مي شود؛ اين در حالي است كه قدرت نرم به مثابه چهره اي جديد از اِعمال قدرت در سطح بين المللي مطرح مي شود كه با تأكيد بر بنيان هاي ناملموس قدرت، بيانگر لزوم به -كارگيري شيوه هايي مقبول و درعين حال، مشروعتر در جهت حصول به اهداف در حوزه سياست خارجي است و كار ويژه اصلي آن شكل دهي ترجيح هاي ديگران بوده، داراي منابعي مانند دين وفرهنگ، ارزش هاي سياسي و سياست خارجي است . در فضاي دوران پس از پيروزي انقلاب اسلامي،ايران مي تواند با درنظرگرفتن اهداف ارزشي خودبا توجه به نقش و جايگاه استراتژيك عراق در جهان اسلام و وجود اشتراك هاي عديده اش، نفوذ قدرت نرم خود را در این کشور گسترش دهد. نگارنده براین باور است كه به كارگيري و مديريت صحيح قدرت نرم درعراق دستاوردهاي مثبت و پايدار را براي تحقق ارزش هاي اسلامي دوکشوردربرخواهدداشت و به بهترين، مشروع ترين و درعين حال، پايدارترين شكل ممكن، تأمين كننده اهداف مورد نظر خواهدبود؛ در اين ارتباط، مسئله اين پژوهش،که با استفادهاز روش توصیفی-تحلیلی انجام می شود منابع قدرت نرم ايران در عراق نوين را بررسی وشناسایی می کند. كه مي تواند زمينه اي براي تحقق ارزشهاي متعالي انقلاب در جهان اسلام باشد.

**واژگان كليدي:** جمهوري اسلامي ايران، عراق نوين، قدرت نرم، ارزشهاي انقلاب اسلامي.

**مقدمه:**

»منافع ملي «، مهم ترين عامل تعيين كننده سياست خارجي دولت ها به شمارمي آيند كه به عنوان

»ارزشهاي اساسي جامعه« ، راهنماي اصلي آنها در روابط بين المللي هستند(بهزادي،263:1374)

اين منافع که گاه به طور صرف، جنبه داخلي دارند و گاه جنبه فراملي مي يابند، بيانگر ارزش هاي

انساني ترند. انقلاب اسلامي ارزش هایي انساني مبتني بر مكتب اسلام را عرضه كردكه ، منافع تمام جوامع اسلامي و حتي غيراسلامي نيز محسوب مي شوند ز يرا به نوع انسان و رهايي او توجه دارند نه به گروهي خاص؛ ازطرف ديگر دستيابي به منافع وارزشها نيز منوط به داشتن قدرت است . لذا قدرت ، تعيين كنندة گسترة منافع ملی است(اجمالی،251:1380)

به طور سنتي در روابط بين الملل، منبع عمده قدرت دولتها در قالب عناصر چهارگانه فرهنگي، نظامي، سياسي و اقتصادي بوده است؛ اما امروزه به دلايلي نظير حركت بين المللي به سوي جهاني شدن، انقلاب اطلاعاتي، گسترش سريع وسايل ارتباط جمعي ، ناتواني قدرت آشكار، توان رزمي و نيز حضور نهادهاي جهاني غيردولتي در عرصه سيا ست بين المللNye,2002:62-61) )، توزيع منابع قدرت در موضوع هاي مختلف بسيار تغييركرده است به صورتيكه ساختارهايي متفاوت از نوع پيشين در عرصه قدرت در حال شكل گير هستند كه برخي، از آنها با عنوان »رخنه « در نوع كهن قدرت يا »انقلاب « در ماهيت قدرت يادكرده اند؛

درحقيقت ما شاهد يك جابه جايي در منابع و نحوه به كارگيري قدرت در اشكالي ديگر هستيم(تافلر،

1370 ، 45 تا 47 )، به نحوي كه برخي معتقدند امروزه به كارگيري اسلحه براي دستيابي به اهداف ملي

يا دفاع از آنها از طريق ايجاد نفوذ منفي و سمت دهي تحكم آميز به اعمال ساير دولت ها، مشروع

نيست (هالستي،( 472:1373؛ بر اين اساس با مراجعه به طيف متنوع آثار موجود در باب قدرت ،

مشخص مي شود كه توجه به قدرت نرم و منابع عديده آن ، گفتماني تازه را براي تأمين ارزش هاي يك

جامعه شكل مي دهد و درنتيجه، چهره اي تازه از قدرت مطرح مي شود كه دو مشخصه بارز دارد 1:

اجتماعي بودن: يعني قدرت نرم در شبكهاي از روابط اجتماعي معنامي گيرد و2:هنجاري بودن : يعني

هنجارها و ارزش ها در توليد قدرت نرم نسبت به ابزارها به مراتب مؤثرترند(ناي، 1389 ، 8 و 9؛)

درنتيجه ضرورت به كارگيري قدرت نرم در سياست خارجي براي رسيدن به منافع و به ويژه تحقق

ارزشها يا كسب نتايج مطلوب همراه با كاهش هزينه هاي اجرا و رفع تبعات منفي و مخرب

به كار گيري خشونت، آشكار مي شود؛ اين موضوع به ويژه براي جامعه ما كه از اهداف متعالي و

ارزش هاي معنوي غيرمبتني بر زور و اجبار بهره مند است، جنبه انساني و مكتبي داشته، مخاطب آنها

نه تنها همه مسلمانان كه تمام بشريت اند اهميتي جدي دارد.

بنابراين بررسي منابع قدرت درخصوص هر جامعه اي كه موضوع تعامل و رابطه با ما(به ويژه در

دنياي اسلام ) است، اهميت دارد؛ اما هرچه ارتباطات فرهنگي، ارزشي و سياسي اين جوامع با ما بيشتر

باشد، بر اهميت مسئله افزوده مي شود لذا در اين نوشتار، »عراق نوين « (عراق پس از صدام) به ويژه با

توجه به موقعيت راهبردي آن و نيز حضور نيروهاي غربي در آن مورد توجه قرارگرفته است. بر اين

مبنا، پرسش اصلي اين تحقیق اين است : »جمهوري اسلامي ايران داراي چه منابع و امكاناتي در

عرصه قدرت نرم در عراق است؟

در پاسخ به اين پرسش، فرضيه ما، باور به وجود سه دسته منبع نرم قدرت، يعني منابع ارزشي -

اعتقادي، منابع فرهنگي - اجتماعي و منابع سياسي است كه به كارگيري هماهنگ و متناسب همراه با

مديريت راهبردي صحيح آنها مي تواند ما را به اهداف خويش درراستاي تحقق ارزش هاي انقلاب

اسلامي برساند؛ لذا هدف از اين مقاله، تشخيص و شناخت این منابع مهم قدرت براي مديريت

راهبردي مناسب و حصول نتيجه است؛ روش مورد استفاده در اين پژوهش به منظور استنباط، تحليل و

نتيجه گيري، روش توصيفي- تحليلي و چارچوب نظري آن نيز، نظريه قدرت نرم جوزف ناي است.

**الف: مباني نظري و روش**

قدرت نرم، موضوعي تازه در علم سياست به ويژه در حوزه منازعات بشري نيست. (Nye,1990:167) و ايده جذابيت به مثابه قدرت، قرن ها پيش از تبيين نظري آن وجودداشته است امابه صورت جدي، اين مفهوم ر ا اولين بار جوزف ناي در سال 1990 در كتابي ، با نام **تغيير ماهيت قدرت آمريكايي** مطرح كرد و سپس در سال 2004 آن ر ا در كتاب **قدرت نرم : راه موفقيت درسياست هاي جهاني** بسط داد. پيش از ناي برخي متفكران با عناو يني ديگر از قدرت مبتني بر جذب سخن گفته اند؛ براي نمونه، ميان مفهوم قدرت نرم جوزف ناي و مفهوم »هژموني « گرامشي شباهت وجوددارد و اين شباهت در به كارگيري مجموعه اي كلي از اصول، مانند طرح ها، ارزش ها و نهادهاي مشتركي است كه با رضايت يا با **عمل قانوني توسط گروه هاي مختلف به عنوان منابع قدرت، به منظورنفوذ و كنترل ديگران استفاده مي شوند** ( Zahran and Ramos,2010:12 )، نا ي قدرت را به دو نوعسخت و نرم تقسيم مي كند؛ در نگاه او، اقناع، مبناي قدرت نرم و تهديد و اجبار، مبناي قدرت سخت هستند. او قدرت نرم را اين گونه تعريف كردهاست: »توانايي ايجاد خواست هاي مطلوب از طريق به كارگيري طرح (هنجارها- ارزش ها و باورها )، فرهنگ و سياست خارجي (ديپلماسي) كه درمجموع هريك موجد و مولد جاذبه هستند ( Nye,2002:60 )؛) پس قدرت نرم به طور دقيق، همان نفوذ نيست،زيرا نفوذ مي تواند شامل قدرت سخت نيز باشد. قدرت نرم شامل توانايي هاي جذب كردن است وجذب، اغلب باعث اقدام يا مشاركت همراه با رضايت مي شود؛ بنابراين قدرت نرم، داراييهايي است كه جذابيت توليدمي كنند لذا مي توان گفت كه قدرت نرم به نوعي، قابليت شكل دادن به علايق ديگران است) ناي،44:1389) بايددانست كه در بررسي نقش قدرت در جامعه، محور كليدي را منابع ايجادكننده قدرت تشكيل مي دهند و منظور از منابع نيز سرچشمه هايي درون جامعه هستند كه قدرت را به وجودمي آورند؛يعني قدرت از آنها مي تراود و شكل ميگيرد؛ بر همين مبنا قدرت نرم نيز داراي منابعي گوناگون است؛براي نمونه در عرصه فردي زبان، يكي از منابع قدرت است . اما زبان هم منبع قدرت نرم است و هم منبع قدرت سخت، زيرا هم سلطه مبتني بر جبر را به دنبال دارد و هم مشاركت و همكاري مبتني برجذب ر ا. به طوركلي، منابع اصلي قدرت نرم را به دو دسته فرهنگي (اعم از ديني، ايئولوژيك و آداب و رسوم و ...) و سياسي (اعم از نگرش ها، ارزش ها و سياست عملي در داخل و خارج مي توان –تقسيم كرد.

به عقيده ناي »قدرت نرم در يك كشور مي تواند از سه منبع پديدآيد : فرهنگ آن كشورآن بخش-

هايي كه براي ديگران داراي جذابيت است، ارزش هاي سياسي در مواردي كه در داخل و خارج

كشور مورد توجه باشند) و درنهايت ، سياست خارجي (درصورتيكه قانوني و مسئولانه به نظربرسد ) «

ناي،(51:1389براساس اين چارچوب نظري:

اول، قدرت، منحصر به قدرت سخت و سنتي نيست و شامل قدرت نرم هم ميشود.

دوم، تأثير قدرت نرم، پايدارتر، مؤ ثرتر و بي خطرتر است. زيرا قدرت نرم درواقع جذابيتهاي يك

كشور در نگاه ديگران است.

سوم، هزينه استفاده از قدرت نرم كمتر است . در نگاه ناي اگر بتوان كاري انجام داد كه ديگران آنچه را ما مي خواهيم، بخواهند، ديگر به استفاده از زور و قدرت نظامي نيازنداريم و اين مو ضوع ،

باعث كاهش هزينه ها در پيگيري اهداف سياست خارجي خواهدشد.

چهارم، در عرصه بين الملل، دولت ها حق دارند و مي توانند از جذابيت هاي مادي و معنوي خود

به منظور افزايش مشروعيت اقدام هاي خود و درنتيجه، افزايش قدرت و تأمين منافع ملي خويش در

محيط بين الملل استفاده كنند.

پنجم، جوامعي كه داراي فرهنگ، انديشه و ارزش هاي سياسي هستند كه به هنجارهاي غالب

جهاني نزديك ترند و نيز جوامعي كه بيشترين دسترسي را به امكانات ارتباطي دارند يا جوامعي كه در

سياست خارجي، موفق ترند، مي توانند در حوزه به كارگيري قدرت نرم، موفق باشند؛ در اين ميان نيز

انديشه و ارزشها اساسي ترند و جمهوري اسلامي ايران نيز آنها را دارد.

ششم، قدرت نرم هر جامعه اي از ارزش هاي سياسي ، فرهنگ و اعتقادهاي شناخت و جهان بيني

و سياست خارجي آن جامعه نشأت ميگيرد؛ البته هريك از منابع اصلي قدرت نرم با لحاظ شروطي

مهم، قابل تحقق به قدرت واقعي و كاربردي هستند؛ براي نمونه، ناي در باب فرهنگ، معتقد است كه:

اول اينكه همه بخش هاي يك فرهنگ ملي قابل تبديل به قدرت نرم نيست بلكه آن بخش هايي از

فرهنگ كه براي ديگران جذابيت دارند از منابع قدرت نرم محسوب مي شود؛ دوم اينكه، فرهنگ ها ي

محلي و ناحيه اي كمتر قابل تبديل به قدرت نرم هستند . ارزش هاي سياسي، منبعي از منابع قدرت نرم

به شمار مي آيند به شرطي كه در داخل و خارج كشور، مورد توجه و مشروع باشند و درنهايت اينكه

سياست خارجي يك كشور در صورتي مولد قدرت نرم است كه در چشم و ديدگاه ديگران قا نوني و

مسئولانه به نظر برسند(.(Nye, 2011:84

هفتم، با توجه به اصول بالا درمي يابيم كه جهموري اسلامي ايران به عنوان يك كشور -ملت در

عرصه بين المللي براي رسيدن به اهداف ملي و تحقق ارزش هاي انقلاب اسلامي خويش برمبناي

جهان نگري و ارزش شناسي خود حق دارد و مي تواند از منابع قدرت نرم خويش درخصوص هر نظام

ديگري و به ويژه جوامع اسلامي استفاده كند اما با توجه به وضعيت جوامع اسلامي، مناسب ترين گزينه

براي بهكارگيري قدرت نرم ايران، كشور عراق است.

هشتم، منابع قدرت نرم ايران در عراق، مطابق اين چارچوب عبارت اند از : دين و فرهنگ،

ارزش هاي سياسي و سياست هايي كه در معادلات داخلي و بين المللي اين كشور مي توانند به سود

ايران جاذبه ايجادكنند و از طريق اقناع و جذبه و بدون لزوم استفاده از زور و تهديد، اهداف و منافع

ملي ايران را تأمين كنند؛ يعني آن گونه كه ناي مطرح مي سازد، سياست خا رجي؛ به علاوه ما اين منابعرا

با توجه به نقش برجسته دين و ارزش هاي عقيدتي و مكتبي به سه دسته كلي ديني - فرهنگي،

ارزشهاي سياسي و سياست خارجي تقسيم كرده ايم.

**ب- منابع قدرت نرم جمهوري اسلامي ايران**

**-1 انقلاب اسلامي ايران و قدرت نرم**

برخلاف جوامع غربي مانند آمريكا، قدرت نرم ما به طور عمده به منبع دين و ارزش هاي سياسي و

اجتماعي مرتبط با آن، متكي است . لذا گفته شده است: »منابع اصلي و شناخته شده قدرت نرم ايران

به طور عمده از »اسلام و معنويت « سرچشمه ميگيرند( Mohamadi, 2008). امروزه جمهوري اسلامی

ايران، پرچم دار الگويي جديد از انديشه و عمل در جهان است كه توانست نظريه صلاحيت و

كارآمدي دين را در تأسيس، بنيان و استقرار منابع نوين و متنوع قدرت، نمايندگي و هدايت كند

)سيدنژاد،( 96:1388 ؛ ريشه اين امر به بنيانهاي انقلاب اسلامي بازمي گردد؛ انقلاب اسلامي ايران

به عنوان انقلا بي براي دين، معنويت و ارزش ها نه تنها در اعتقاد هاي اسلامي ريشه دارد بلكه محرك و

هدف خود را نيز در دين جستجومي كند. انديشه انقلاب اسلامي به عنوان نمونه اي تازه از نظام

حكومتي در چشم انداز جهاني از سرچشمه اسلام ناب محمدي نشأت گرفته است؛ ازديگرسو، انقلاب

اسلامي با شكستن انحصارگرايي در عرصه روابط بين الملل و برهم زدن معادلات نابرابر و ناعادلانه

جهاني و منطقه اي، توانست اعتمادبه نفس را در مسلمانان تقويت كند و با طراحي نوعي نظم بين الملل

فارغ از سلطه قدرت هاي استكباري براساس سياست »نه شرقي و نه غربي «، بارقه اميد را در دل

ميليونها مسلمان و مستضعف بيدارنگه دارد؛ از اين منظر، تحقق انقلاب اسلامي ايران را مي توان تجلي

قدرت نرم به معناي توانايي جذب ديگران بدون تهديد يا پرداخت هزينه محسوس دانست؛ ازاين رو،

»استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعيت سياست هاي انقلا ب اسلامي را مي توان چهره اي

جديد از قدرت قلمدادكرد كه دربرگيرند ه مؤلفه هاي فرهنگي ، ايدئولوژيك، سياسي و عقيدتي است «

(دهشيري، (66:1385 برخي ديگر با توجه به مباني انقلاب اسلامي و نظام جمهوري اسلامي ايران به

منابعي نظير، »ايدئولوژي، اعتبار ملي، روحيه ملي ، خصوصيات ملي، هويت ملي، ساختارحكومت،

موقعيت جغرافيايي و مشروعيت نظام سياسي «، اشاره كرده اند) (حجازي ، 4:1387 )؛ درحالي كه براي

تحقق قدرت نرم زماني مي توان از وجود منابع سخن گفت كه به صورت بالقوه امكان و توانايي تأثير و

جذب مردم سرزمين هاي ديگر را داشته باشند؛ براي نمونه، حس عدالت خواهي جهاني كه برخاسته از

فرهنگ شيعي و ايراني ماست مي تواند منبعي براي تحقق قدرت نرم محسوب شود.

**-2 منابع قدرت نرم ايران در عراق**

همانطوركه گذشت، منابع قدرت نرم ، مي توانند موضوع جذب ديگران يا مخاطبان وا قع شوند لذا بعد فراملي دارند؛ از اين حيث، هر ظرفيت و توان بالقوه وقابل تحققي كه مي تواند ديگران را به گونهاي مجذوب سازد كه خواست ما را خواست خود بدانند، منبع قدرت نرم محسوب ميشود. در يك بررسي كلي، امروزه ظرفيت ها و منابع بالقوه نرم افزاري ايران درخصوص كش ور عراق به اختصار عبارت اند از :پيوندها و هم گرايي ديني، فرهنگي و سياسي ميان دوكشور، موقعيت عقيدتي و مبارزاتي و فرهنگي ايران در عراق، مذهب مشترك، تعامل ها و مبادلات فرهنگي تاريخي ميان اين دو، وجود احزاب و گروه هاي مبارز شيعي، وجود قوم كرد، وجود عتبات عاليات، حوزه هاي علميه، مراجع تقليد و عالمان ديني، تشكيل انجمن هاي دوستي و انجمن هاي پارلماني مشترك، تبليغ آرمان ها، ارزش ها و اهداف متعالي انقلاب اسلامي، ارائه تصوير مثبت ومطلوب از خود، طراحي و اتخاذ سياست هاي مقبول و مشروع، مبادلات حوزوي و دانشگاهي ميان نخبگان اين دو كشور، بهره مندي از شبكه هاي خبري گسترده و بين المللي، همايش ها و نمايشگاه هاي فرهنگي، تسهيلات گردشگري و توريستي، سياست هاي صحيح خارجي مشروع و مورد توجه مردمان

عراق، حمايت از روند دموكراسي، صلح و تماميت ارضي عراق، ارائه مشوق هاي اقتصادي، سرمايه -

گذاري و مشاركت در بازسازي و عمران، ارائه خدمات بشردوستانه در بحران هاي داخلي يا حوادث

ناگوار طبيعي، بيطرفي مثبت در بحرانهاي بين المللي اين كشور و ساير موارد مشابه.

به دليل گستردگي و تنوع ظرفيت هاي قدرت نرم، بسيار دشوار است كه بتوان در اين نوشتار به

تكتك آنها پرداخت . به همين سبب، ما برمبناي چارچوب نظري خويش منابع را به سه دسته كلي

عقيدتي- ارزشي، فرهنگي - اجتماعي و ارزش هاي سياسي و سياست خارجي تقسيم مي كنيم و در هر

دسته، مهم ترين منابع را مورد توجه قرارمي دهيم؛ براي نمونه در عرصه عقيدتي - ارزشي يا ديني

مذهب تشيع، اسلام انقلابي، در حوزه فرهنگي، حوزه و مرجعيت، فرهنگ و تاريخ مشترك، وجود

نهادهاي مذهبي و در حوزه ارزشهاي سياسي و سياست خارجي، وجود گروهها، قوميتها و احزاب

سياسي شيعي طرف دار جمهوري اسلامي ايران و حمايت از آنها و نيز حمايت از عراق در عرصه

بين المللي و پيشتازي در منطقه بررسی وتحلیل می شود.

1-2\_\_**حوزه ديني- فرهنگي**

» دين «، مجموعه باورهاي بنيادين جامعه و كنش هاي مبتني بر آنهاست؛ »فرهنگ «، مجموعه اي از

آداب و رسوم، اخلاقيات، اعتقادها، ارزش ها و نمادهايي تلقي ميشود كه از طريق جامعه پذيري از

نسلي به نسب ديگر منتقل مي شوند ) قوام،( 293:1384. دين و فرهنگ، مشتمل بر منابع مهم قدرت

نرم هستند . وقتي فرهنگ يك كشور ارزش هاي جهاني را شامل شوند و بنياد سياست هاي آن را علايق

و ارزش هاي مشترك جهاني تشكيل دهند، احتمال اينكه نتايج مطلوب تحصيل شود، افزايش مي يابد

(ناي،( 52:1389 فرهنگ ما شامل مجموعه اي از ارزش هاي ايراني - اسلامي و انقلابي است كه مردم

ايران در آن سهيم اند و به درستي، مطلوبيت و جهان شمولي آنها باوردارند . ايرانيان به سي قرن »هنر،

فرهنگ و معرفت و استمرار هويت فرهنگي خود در طول تاريخ، تأسيس نخستين دولت جهاني در

بيش از 2500 سال پيش، سازماندهي نخستين جامعه بين المللي كه به اديان و فرهنگ هاي اقوام تحت

حاكميت خود احترام مي گذاشت، آزادسازي يهوديان از اسارت بابلي ها و تأثيرگذاري بر تمدن هاي

يوناني، عرب، مغول و ترك صرف نظر از تأثيرگذاري بر فرهنگ غرب از طريق سهم ايرانيان در تمدن

اسلامي « مباهات مي كنند) رمضاني،( 14:1388 ) از اين حيث، درخصوص عراق نيز بايد يادآور شد كه

اين سرزمين به لحاظ تاريخي و فرهنگي، ارتباطي قوي و گسترده با ايران داشته است. بين النهرين به

مدت هزاران سال، پاره اي از حوزه تمدني ايران محسوب مي شده است؛ ايرانيان، اين سرزمين را

»سورستان « نام نهاده بودند ) (محمدي ملايري،( 57:1375 به همين دليل، ايران و عراق داراي

مشابهت ها و همساني هايي فراوان در حوزه فرهنگي و تمدني هستند . ملتها و كشورهايي كه پيشينه

فرهنگي و تمدني طولاني و درخشاني دارند، قدرت، قابليت و ظرفيت فرهنگي آنان افزون تر است و

ارجحيت فزون تري براي گسترش مناسبات و منافع فرهنگي - تمدني قائل اند. مهم ترين محورهاي

همبستگي ديني، فرهنگي و تاريخي ميان ايران و عراق عبارت اند از:

- وجود مذهب تشيع اماميه و ارتباطات خاص معنوي ميان شيعيان هر دو كشور، به ويژه نگرش

تشيع پويا و انقلابي يا سياسي.

- وجود عتبات عاليات در شهرهاي نجف، كربلا، سامرا و كاظمين در عراق و شهرهاي قم، مشهد و

شيراز در ايران كه باعث ايجاد رفت وآمدهاي زيارتي مردمان اين دو كشور شده است.

- وجود بافت فرهنگي - اجتماعي مشابه در دو كشور، با توجه به سوابق تار يخي و اينكه در طول

قرون متمادي، همواره عراق، بخشي از سرزمين ايران محسوب مي شده است.

- تعداد زياد ايرانيان مقيم عراق به ويژه در شهرهاي مذهبي اين كشور.

- وجود حوزه هاي علميه در دو كشور و ارتباطات ديرينه و خاص ميان آنها.

- مرجعيت و زعامت واحد مذهبي شيعي كه خود، موجب ايجاد همدلي و هماهنگي ميان شيعيان

هر دو كشور ميشود.

- و نهايت اينكه، شيعيان عراق از گذشته و در مقابل عثمانيان و در دوران معاصر در زمان صدام

همواره به دولت هاي ايراني و شيعيان ايراني و به عنوان حامي و پشتيبان نگاه مي كرده اند (بلداجي،

.(286:1384

از منابع فرهنگي و مذهبي به دليل اختصار، تنها به چند منبع اساسي تر يعني مذهب مشترك تشيع،

عتبات عاليات، حوزه هاي علميه و مرجعيت و روحانيت مي پردازيم.

**1-1-2 - مذهب مشترك تشيع**

انقلاب اسلامي ايران، نخستين انقلابي محسوب مي شود كه آشكارا شريعت و تعاليم اسلامي را

به عنوان قانون اساسي خود برگزيده است(شريعتي،( 57:1388. ازآنجاكه عقيده مشترك ديني و

مذهبي، نقش بنيادين در ايجاد همبستگي ميان پيروان هر دين ايفامي كند، يكي از عوامل بنيادين

ملت سازي در ايران و عراق، مذهب تشيع است و ايران هسته اصلي جهان تشيع محسوب مي شود

)زين العابدين، 1386 : 33 ، 34 و( 36 .مهم ترين تحول گفتمان شيعه در قرن بيستم، تحول از

سياست گريزي و تمايل به ضرورت دخالت در مسائل سياسي با هدف تشكيل حكومت ديني است؛

ازاين رو، گفتمان ولايت فقيهان عادل، گفتمان سياسي غالب شيعه در اين دوره است كه با پيروزي

انقلاب اسلامي به گفتمان حاكم تبديل شد(موسوي، 297:1387 )؛ نتيجه اين تلاش، طرح هلال شيعي

است كه از تأثير قدرت نرم ايران در منطقه نشان دارد و خود مي تواند به عنوان عاملي بس مثبت در

جريان قدرت نرم به كارآيد. هلال شيعي، رؤيايي است كه امروزه در عراق، ايران و بخش هايي از لبنان

و سوريه طرف دار دارد(جمالي، 10:1386 )؛ در همين ارتباط، پيروزي انقلاب اسلامي ايران، نمونه

ملموس و عيني را براي الگوسازي مطرح كرد (احمدي و قزويني حائري، 56:1389 )؛ اين است كه

گفته شده: درواقع، حركت انقلابي و شيعي مردم عراق (جنبش شيعيان نشأت گرفته از پيروزي انقلاب

اسلامي ايران است) (نجفي، 131:1386 )؛ ازسوي ديگر بايد اين نكته را يادآور شد كه »نقش شيعيان و

رهبران مذهبي « به عنوان يكي از متغيرهاي اساسي در جامعه شناسي عراق و تحول هاي سياسي اين

كشور محسوب ميشود (غلامي قمي، 168:1386 )؛ اين نقش، پس از سقوط حزب بعث، بسيار

پررنگ تر شده است؛ براي نمونه، امروزه نقش شيعيان و مرجع ديني آنها آيت ا...سيستان ي به صورت

آشكار در تحول هاي عراق احساس مي شود؛ درنتيجه، هر دو مي توانند از عوامل تأثيرگذار بر

تصميم هاي دولت عراق باشند؛ به علاوه در ساختار قانوني و اجراي ي عراق بعد از صدام براساس

قانون اساسي جديد عراق، بلوك اصلي پارلمان كه از سوي شيعيان اداره مي شود حق معرفي نخست

وزير را دارد (همان: 187 و 188)

**2-1-2 - عتبات عاليات و شهرهاي مذهبي**

عراق، اصلي ترين مركز شيعه در طول ده قرن نخست اسلام بوده است) مريجي ،( 13:1387 .هيچ

كشور و منطقه ديگري از جهان اسلام به جز مدينه منوره كه از لحاظ معنوي و تعدد قبور پيشوايان

شيعه، به عراق شبيه است )، همانند عراق داراي شش مرقد از مراقد ائمه اهل بيت (ع ( نيست .

شهرهاي نجف، كربلا، كوفه، بصره و حله از شهرهايي مهم هستند كه پيش بينيمي شود تحو لهاي

سياسي عميق در عراق هنوز هم به تصميم گيري ساكنان آنها بستگي تام و تمام داشته باشد . شيعيان

عراق به طور عمده در اين شهرها ساكن هستند و از ديدگاه ايران، تاريخ، مذهب و فرهنگ جنوب

عراق به طور مستقيم در حوزه نفوذ ايران قراردارد ( 5- Abedin,2000:1 )؛ وجود اين شهرها با دارابودن اكثريت شيعه نشين مي تواند وزنه اي مناسب در تحققق طرح هاي اسلامي و شيعي مورد نظر ايران وپيروي از منويات جمهوري اسلامي ايران باشد و درراستاي تحقق ارزش هاي انقلاب اسلامي

به كارگرفته شود.

**3-1-2 – حوزه هاي علميه و مراجع ديني**

شهر نجف در مقا بل الازهركه مركز علمي اهل سنت است، مركز مذهب تشيع بوده، به عنوان

پايگاه اصلي تشيع، شناخته شده است. روابط مداوم مراكز انديشه و دانش دو كشور ايران و عراق، يعني

نجف و قم موجب شده كه ايرانيان، تأثيري فراوان بر عراقي ها داشته باشند، زيرا آميختگي مذهبي و

احساسات مشترك ديني به پديده سياسي خاصي در عراق منجرشده است و به اين ترتيب، زعامت

مذهبي و علمي در عراق به دست ايرانيان افتاده است؛ ازسوي ديگر، اقامت و وجود ايرانيان به ويژه

مراجع، عالمان دين و طلاب در سراسر عراق و به ويژه در شهرهاي مذهبي، موجب گسترش نفوذ

ايرانيان شده است لذا اغلب، »حركتهاي اعتراض آميز نسبت به حضور بيگانگان يا ضد حكومت، به

رهبري مراجع ديني با تابعيت از كشور ايران صورت گرفتهاست « (غلامي قمي،. (171:1386 حوزه

علميه نجف در دهه هاي ابتداي قرن بيستم به يك مركز رهبري عمده براي جريان هاي معاصر عراق

تبديل شده و علماي شيعه كه اغلب، ايراني هستند ) با فتاواي ديني - سياسي خود، فضايي جديد در

عراق به وجودآوردند، حوزه هاي عراق به طبع، منشأ پيدايش احزاب و گروه هاي سياسي شده، شهر

نجف به عنوان مركز تحول ها و توفان هاي سياسي بوده و خواهدبود(مريجي ،( 47:1387 .زيرا

قدرتمندترين قطب سياسي در عراق مرجعيت اين كشور هستند )رازاني، 108:1384 ).

البته پس از انقلاب اسلامي ايران، حوزه علميه شهر نجف، تحت الشعاع مركزيت حوزه قم

قرارگرفت؛ هرچند اين وضعيت پس از سال 2003 ميلادي و حضور آيت ا... سيستاني تا حدود زيادي

به حالت اوليه بازگشت؛ در هرحال وجود هر دو حوزه و وجود عالمان و طلاب هر دو كشور در آنها

از مهم ترين منابع قدرت نرم براي حكومت شيعي ايران محسوب مي شوند؛ البته آنچه براي قدرت نرم

ايران در اين خصوص زنگ خطر است اينكه اين اشتراك مذهبي نبايد تبديل به رقابت ميان اين دو

حوزه تبديل شود( Sulivan.2009 ) ؛ زيرا حوزه علميه عراق خود، امتدادي از وضعيت فرهنگي و

سياسي ايران است (حكيم،( 27:1382 .منابع قدرت روحانيت عراق كه درعين حال باعث ايجاد و

افزايش قدرت نرم ايران خواهندشد به طور خلاصه عبارت اند از : سازمان و تشكيلات مستحكم

روحانيون عراقي، نهاد مرجعيت، استقلال مالي روحانيون، شخصيت كاريزماتيك مراجع، مردمي بودن

نهاد روحانيت و اعتقاد به مهدويت (قنبري، 1381 : 272 تا 278 ).

مرجعيت در اين عرصه، نقشي تعيين كننده دارد؛ براي نمونه، آيت ا... سيستاني به رغم اصرار و

درخواستهاي مكرر مقام ها و مسئولان آمريكايي، هرگز حاضر به ديدار با آنها نشد؛ اما هنگامي كه

كمال خرازي وزير خارجه پيشين جمهوري اسلامي ايران در سفري سه روزه از عراق ديداركرد، مورد

استقبال گرم و صميمي ايشان قرارگرفتند به نحوي كه جرايد و روزنامه هاي بين المللي از اين سفر

به عنوان ديداري خانوادگي، ميان اعضاي يك خانواده نام بردند ( Peterson,2005 ). آيت ا... سيستاني

همچنين در پاسخ استفتائي در باب نگارش قانون اساسي اين كشور بيان كرد كه نيروهاي اشغالگر از

هيچگونه شايستگي براي تعيين اعضاي مجلس نگارش قانون اساسي بهره مند نيستند و بايد اين مهم

توسط خود عراقيها يا منتخبان آنها انجام پذيرد .(Diamond,2005:11)

2-2-3**- احزاب سياسي و گروههاي مبارز**

زمينه هاي نفوذ ايران در گروههاي سياسي شيعه عراق به سال 1980 ميلادي بازمي گردد . به علاوه

هدف اصلي سياست خارجي ايران، از همان آغاز به كار حكومت جديد انقلابي، تبليغ و گسترش

اسلام انقلابي بوده و هست (اسپوزيتو، (47:1388 صدور انقلاب و پشتيباني از »مردم مظلوم جهان «

يكي از اصول بنيادين انقلاب اسلامي ايران است ( Chubin.2009:165 )؛ با توجه به اين مهم مي توان

اين گونه استنباط كرد كه يكي از مهم ترين دلايل حمايت از احزاب و جنبش هاي عراقي، گسترش

معارف و انديشه هاي انقلابي و دفاع از مردم تحت ستم حزب بعث عراق بوده، با پيروزي انقلاب

اسلامي، واحد نهضت هاي آزادي بخش سپاه پاسداران عهده دار كمك به گروه هاي عراقي مخالف رژيم

صدام شد(نادري،. (172:1386 ايران در زمان صدام حسين پناهگاهي براي رهبران تبعيدي عراق

محسوب مي شد و اين مبارزان از حمايت هاي مادي و معنوي ايران بهره مند مي شدند

.(Katzman.2010)

مهمترين احزاب و گروههاي مورد بحث در اين عرصه عبارت اند از:

- جماعت العلماء عراق : اين حزب در 1958 ايجادشد اما با پيروزي انقلاب اسلامي ايران، اميدي

تازه و راهي جديد در فعاليت هاي آن آغازشد به طوريكه برخي از علماي اين حزب به دستور

سيد محمدباقر صدر مأمورشدند تا به ايران مهاجرت كرده، سازماندهي، ارتباط و آموزش نيروهاي

اسلامي عراق را در داخل ايران برعهدهگيرند (مريجي، 1387 : 85 تا 88 ).

- حزب الدعوه الاسلاميه : اين حزب در سال 1957 ميلادي در نجف اشرف به رهبري سيد

محمدباقر صدر تشكيل شد(فولر و فرا نكه، 175:1383 ).به اعتقاد برخي از نويسندگان، نظريه

»گواهي مرجع « شهيد سيدباقر صدر از لحاظ نظري و عملي با نظريه »ولايت فقيه « امام خميني(ره)

هماهنگ است؛ به علاوه آيت ا... صدر به چارچوب ايدئولوژيك نظام اسلامي در ايران كمكي

عمده كرد . به نحوي كه وي را پدرخوانده فكري قانون اساسي ايران دانسته اند (دكمجيان، 1366). پس از پيروزي انقلاب عده زيادي از اعضاي اين حزب، خواستار تغيير در اساس نامه حزبي منطبق با الگوگيري از انقلاب اسلامي شدند(مريجي، 1387 : 88 تا 92)؛ علاوه براين الگوگيري، انقلاب ايران سبب احياء، تشديد و توسعه فعاليت اين حزب شدحشمت زاده،1387)

به گونه اي كه پس از پيروزي انقلاب ايران، موجي جديد از ناآرامي ها در ميان مردم

شيعه عراق به رهبري اين حزب به وقوع پيوست. تظاهركنندگان، خواستار اصلاح هاي اجتماعي و

استقرار يك حكومت اسلامي شدند و دولت عراق با توجه به تشويق علني قيام شيعيان از سوي

(امام خميني (ره چو ن ارتباط نزديك ايشان با حزب الدعوه، اين حزب را همچون ستون پنجمي مي -

دانست كه هدفش ادغام عراق در ايران بود(غلامي قمي، 182:1386 ).

- سازمان عمل اسلامي : اين سازمان در اواخر دهه 1960 ميلادي، مقارن با اوج فشاره اي حزب

بعث بر مخالفان، به ويژه مبارزان اسلامي تشكيل شد و رويكرد كنوني آن تأكيد بر »مبارزات

فرهنگي « است كه اساس آن از تفكرهاي انقلاب اسلامي ايران درزمينه ايجاد شرايط تحقق فضاي

فرهنگي اقتباس شده است(مريجي، 1387 : 92 و 93 ).

- مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق : اين نهاد در 1361) ه.ش ( 1982 ميلادي تشكيل شد همان :

329شاخه نظامي اين سازمان، با نام »سپاه بدر « با حمايت هاي ايران و آموزش هاي نظامي شاخه

برون مرزي سپاه ايران سپاه قدس پاگرفت و در جنگ ايران و عراق به نفع ايران در جبهه ها به

نبرد پرداخت (زيباكلام و عبد ا... پور، 53:1388 ). هدف از تشكيل اين سازمان، ايجاد مركز ثقلي

براي ارتقاي هم گرايي ميان گروه ها و اشخاص مستقل معارض اسلامي به منظور سرنگوني صدام و

تحقق حكومت اسلامي در عراق بود . »مبناي عقيدتي اين سازمان برمبناي نظريه »ولايت فقيه «

قرارگرفتهاست « (مريجي، 1387 : 92 تا 94 ).

- جماعت صدر ثاني و سپاه مهدي : اينان پيروان سيد مقتدي صدر شخصيت سياسي و مذهبي

اسلام گراي عراقي و يكي از بانفوذترين رهبران شيعيان عراق و شناخته شده ترين بازمانده خاندان

صدر هستند. روابط ايران با مقتداي صدر رهبر اين سازمان و يكي از روحانيون بلند پايه عراق كه

همواره مخالف دائمي حضور نظامي آمريكا در عراق نيز به شمارمي آمد يكي از منابع قدرت نرم

ايران محسوب مي شود ( Katzman.2005 ). مقتداي صدر در واكنش به تهديدهاي نظامي آمريكا ضد

ايران به صورت شفاف و قاطع اعلام كرده بود كه در صورت حمله نظامي آمريكا به ايران، سربازان

آمريكا را در عراق مورد هدف و حمله قرارخواهدداد)بشري و قهرمان پور، 195:1387 ).

برخي از اين گروه ها در ساختار جديد قدرت عراق حضوردارند؛ اين گروه ها در دوران تبعيدشان

در ايران، ارتباطي قابل توجه با رهبران ايراني به دست آوردهاند .حضور و نفوذ ايران در گروه ها و

سازمانهاي عراقي هم در بعد سياسي به صورت توافق نامه و همكاري هاي سياسي و هم به صورت

نظامي مانند سپاه بدرمشاهده مي شود ( Katzman.2005 )؛ به علاوه، ايفاي نقش از سوي ايران در

ميان احزاب سياسي و مذهبي تأثيرگذار عراقي، مي تواند باعث ايجاد آرامش، امنيت و تفاهم سياسي

در عراق شود و اين خود به تحقق اهداف انقلاب كمك مي كند.

**پ- زمينه هاي تحقق قدرت نرم ايران**

براي عيني و عملي شدن منابع نرم قدرت، علاوه بر تصميم هاي سياسي، اقدام هاي رهبران ايران در

عرصه سياست خارجي و وجود احزاب و گروه هاي عراق، اير ان داراي كانال هايي گوناگون در عراق

بوده است ( Katzman.2010 )؛ يكي از عوامل مهم در اين عرصه نهادها هستند) ؛(Nye,2004:256

به ويژه نهادها و سازمان هاي دولتي و غيردولتي ايراني كه درزمينه گسترش مذهب تشيع و همچنين

به منظور اشاعه فرامرزي آن فعال اند، مانند : »سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي، مجمع جهاني تقريب

مذاهب اسلامي و مجمع جهاني اهل بيت )ع«( به علاوه مسئله اعزام مبلغ به خارج از كشور توسط

»مركز بين المللي تبليغ «، بخشي ديگر از زمينه هاي تحقق قدرت نرم ايران را بايد در عملكرد »سازمان

حج و زيارت « مشاهده كرد(احمدي، 55:1389 ).

يكي ديگر از عوامل عيني و بالفعل شدن قدرت نرم مذهبي جمهوري اسلامي ايران را عوامل اقتصادي، سرمايه گذاري و اقدام هاي عمراني ايران در عراق و به طور عمده در شهرهاي شيعه نشين وكردنشين اين كشور تشكيل ميدهد؛ زيرا اقدام هاي اقتصادي در قالب كمك هاي ما لي يا وام هاي بلاعوض اقدامهاي عمراني و ...) نيز در افزايش قدرت نرم يك كشور مؤثرند) ناي، 87:1389 )؛ براي نمونه ايران در چند سال اخير شروع به ساخت نيروگاه هاي برق در عراق كرده است؛ به گونه ايكه امروزه تأمين انرژي بصره به ايران بستگي دارد.

اما سياست خارجي ج مهوري اسلامي ايران در عراق مهمترين عامل تحقق و اجراي قدرت نرم

ايران در اين سرزمين محسوب ميشود. سياست خارجي خود در عرصه عمل در قلب ديپلماسي يا

تعارض جنگ تحقق مي يابد(ر.ك.وايت، 1379 : 17 ) اما تحقق قدرت نرم تنها از طريق ديپلماسي ممكن مي شود و به بيا ني: »ديپلماسي چهره عملي و استراتژيك راهبردي) سياست خارجي

است )« جمشيدي،. (1390 : 34 امروزه ديپلماسي در سه بعد اساسي جلوه گر مي شود كه عبارت اند ازديپلماسي سياسي يا رسمي، ديپلماسي عمومي و ديپلماسي رسانه اي و ديجيتالي . به طوركلي ديپلماسي عمومي و ديپلماسي رسا نهاي همراه با ديپلماسي رسمي به عنوان سه بنياد اساسي تحقق عملي قدرت نرم ايران در عراق محسوب مي شوند.

**نتيجه گيري**

قدرت نرم، زماني تحقق مي يابد كه كشوري قادر باشد از طريق دين و فرهنگ، ارزش ها ونهادسازي در روابط خود با ساير كشورها به منظور دستيابي به اهداف و م نافع ملي خود اصل جذابيت و »اقناع « را در پيش گيرد. به كارگيري قدرت نرم در جهت تحقق ارزش هاي انقلاب اسلامي در عراق براي ما، عاري ازلحن دشمنانه و دستوري خواهدبود و تداعي سلطه نخواهدكرد؛ همچنين محيطي خلاقانه تر و انعطاف پذيرتر را براي اجراي سياست هاي ايران فراهممي سازد و درعين حال،مضاميني متعدد و متنوع تر از فرهنگ ايراني - اسلامي را به لايه هاي فرهنگي و هويتي اين كشورانتقال خواهدداد.

ايران در ارتباط با عراق، منابع متعدد و حائز اهميت در حوزه قدرت نرم دارد، اما قدرت نرم ايران

در عراق هنگامي محقق مي شود كه د ولت و ملت اين كشور مجاب شوند ايده آل هاي ايران را از طريق

باورپذيري دروني و اعتقاد قلبي بپذيرند و در راه عيني شدن آنها خود را با ايران سهيم بدانند . از اين

منظر، بسياري از تحليل گران معتقدند ايران وارد مرحله جديدي در سطح نظام بين المللي شده است كه

در حال جاي گزين شدن با آمريكا در عراق است، با اين تفاوت كه پشتوانه اين حضور، تسخير قلوب

ملت و دولت عراق خواهدبود؛ درنتيجه تحقق قدرت نرم ايران در عراق بايد به گونه اي برنامه ريزي

شود كه توان مقابله با قدرت نرم آمريكا و متحدانش را داشته باشد. مهمترين برگ برنده ايران در اين

زمينه تسلط بر افكار مسئولان و مردمان عراق است، مؤلفه اي كه آمريكا با توجه به عملكرد خويش

نمي تواند بدان دست يابد؛ البته تبديل منابع قدرت بالقوه ايران به قدرت عيني، مستلزم طراحي سياستي

خوب و رهبري كارآمد به ويژه در سطح سياست خارجي و ديپلماسي عمومي است، زيرا نوع و

محتواي سياست هاي ايران در داخل و خارج از عراق مي تواند قدرت نرم را تقويت يا تضعيف كند. از

طرفي غرور ناشي از وجود اين منابع به صورتيكه براي مردمان عراق هجمه و تداعي تسلط ايجادكنند،

به تضعيف قدرت نرم ايران در اين كشور منجرخواهدشد؛ ازطرف ديگر بي اعتمادي ايجادشده توسط\_

حزب بعث نسبت به اهداف ايرانيان به همراه درك ناصحيح از فرهنگ انقلاب اسلامي بدين سان كه

در عراق اين گونه القاشود كه جمهوري اسلامي ايران به دنبال تحميل و ايجاد فرهنگ، زندگي و

حكومتي شبيه به مدل رسمي خود است، نيز مي تواند در كم و كيف قدرت نرم ايران مؤثر واقع شود

لذا پيگيري و تأكيد ايران بيشتر بايد بر قانون مداري، گسترش و ترويج مردم سالاري ديني،

عدالت گستري و اصل حمايت، همراهي با ساختار سياسي، مرجعيت و روحانيت و گروه هاي سياسي

عراقي قرارگيرد . سياستگذاري هاي منطقي در مورد به كارگيري اين منابع باعث افزايش قدرت نرم

ايران خواهدشد.

**فهرست منابع**

**-1 منابع فارسي**

احمدي، فرج ا... و ياسر قزويني حائري ( » .(1389 فرايند تدوين قانون اساسي عراق «. **فصلنامه**

**سياست، مجله دانشكده حقوق و علوم سياس** ، **ي** دوره 40 ، شماره 2، صص 19 تا 37 .

احمدي، عباس ( » .(1389 نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ، مطالعه موردي : تشيع و ايران .«

**فصلنامه ژئوپليتي** ، **ك** سال ششم، شماره 1، صص 37 تا 74 .

اسپوزيتو، جان . ال ( 1388 ). **انقلاب ايران و بازتاب جهاني آ** ، **ن** مترجم محسن شانه چي، تهران :

مركز بازشناسي اسلام و ايران (انتشارات باز)، چ 3.

ايرواني، امير سعيد ( » .(1388 عمليات آمريكا در عراق و تأثير آن بر ايران «. **فصلنامه روابط خارج** ، **ي**

سال اول، شماره 2، تابستان، صص: 153 تا 183 .

حكيم، سيد محمدباقر ( » .(1382 شيعيان عراق، آرمان ها و چالش ها «. **فصلنامه شيع هشناس** ، **ي** سال

اول، شماره 1، صص 25 تا 40 .

برزگر، كيهان ( » .(1385 عراق چشم به راه فرصت سازي ايران «. **روند اقتصاد** ، **ي** شماره 17 ، بهمن

ماه، صص: 17 تا 21 .

برنا بلداجي، سيروس ( » .(1384 روابط جمهوري اسلامي ايران و عراق نوين (چالشها، فرصتها

و تهديدها) «. **مجلس و پژوه** ، **ش** سال دوازدهم، شماره 49 و 50 ، صص: 273 تا 300\_

بشري، اسماعيل و رحمان قهرمان پور ( 1387 ). **سلاحهاي هستهاي جديد و امنيت ملي جمهوري**

**اسلامي ايرا** ، **ن** تهران : معاونت پژوهشي دانشگاه آزاد اسلامي و مركز تحقيقات استراتژيك مجمع

تشخيص مصلحت نظام.

بهزادي مددي، حميد ( 1374 ). **اصول روابط بينالملل و سياست خارج** ، **ي** تهران: چاپ كارون.

پورسعيد، فرزاد ( » .(1389 برآورد استراتژيك عراق آينده «. **فصلنامه مطالعات راهبرد** ، **ي** سال

سيزدهم، شماره 1، شماره مسلسل 47 ، صص 176 تا 211 .

تافلر، آلوين ( 1370 ). **تغيير ماهيت قدرت ( دانش، ثروت و خشونت در آست انه قرن بيس تويك م)**،

مترجمان حسن نورائي بيدخت و شاهرخ بهار، تهران: مركز ترجمه و نشر كتاب.

جعفري ولداني، اصغر ( » .(1371 روابط ايران و عراق از آتش بس تا پذيرش دوبار ه قرارداد

«1975 . **اطلاعات سياسي- اقتصاد** ، **ي** شماره 59 و 60 ، مرداد و شهريور ماه، صص: 52 تا 60 .

جمالي، جمال ( » .(1386 هلال شيعي و هژموني آمريكا «. **فصلنامه شيع هشناس** ، **ي** سال پنجم، شماره

20 ، صص 7 تا 31 .

جمالي، حسن ( 1380 ). **تاريخ و اصول روابط بين الملل** قم: مركز تحقيقات اسلامي.

جمشيدي، محمدحسين ( 1390 ). **ديپلماسي پيامبر(ص)**، تهران: شركت چاپ و نشر بينالملل.

حجازي، حسين ( » .(1387 ظرفيتهاي قدرت نرم افزاري جمهوري اسلامي ايران در مقابله با

تهديدات نرم آمريكا «. **گزارش جمهو** ،**ر** شماره 26 و 27 ، هجدهم و بيست وچهارم فروردين، صص

3 تا 28 .

حشمت زاده، محمدباقر ( 1387 ). **تأثير انقلاب اسلامي بر كشورهاي اسلام** ، **ي** تهران : پژوهشگاه

فرهنگ و انديشه اسلامي.

دكمجيان، هراير ( 1366 ). **جنبشهاي اسلامي در جهان عر** ، **ب** ترجمه حميد احمدي، تهران :

انتشارات كيهان.

دهشيري، محمدرضا ( » .(1385 جايگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامي ايران «. **مجله حضو** ،**ر** شماره 57

**2- منابع انگليسي**

Abedin. Mahan(2002). “Iranian views on regime change in Iraq ”.**Jointly published**

**by united state committee for a free lebanan and the middle east forum**.vol.4.no 11.

Chubin.Shahram(2009). “ Irans power in contex”.**survival**.vol.5.no.1pp:165-190.

Diamond,Larry(2005). “Building democracy after conflict, lessons from Iraq”

**Journal of democracy**.Vo:16, no:1, January, pp: 9-23.

Lock, Edward (2010). “ Soft power and strategy developing a strategic concept of

power” in: **Soft power and U.S.A foreigan policy, theoretical, historical and contemporary**

**perspective**. london and new york: Routledge.

Mohammadi, Manouchehr (2008). “The source of power in Islamic republic of

iran”.**iranian journal of international affairs**.vol.16.no.2 pp:1-21.

Milani.Mohsen (2005). “Iran.the status quo power”.**Current History**.pp:30-36

Nicool.Alexander(2007). “Iranian influence in Iraq”.**Stratigic Studies**. vol.13.

issue:10.

Nye. Joseph(2011). **The Future of power**. United States: public affairs.

------------ (2010). “The future of soft power in us foreign policy”. In: **Soft power**

**and U.S.A foreigan policy, theoretical, historical and contemporary perspective**.

Routledge, london and new york, firist published

---------- (2004). “Soft power and American foreign policy”. **Political science**

**quarterly**. Vol: 119, no: 2 , pp: 255-270.

--------------- (2004). “Soft power: the means to success in world politics”. **public**

**affairs**.New york.pp:191-197